

وظایف جنبش زنان کارگر در جمهوری شوروی

این سخنرانی نخستین بار در چهارمین کنفرانس زنان کارگر غیرحزبی شهر مسکو، در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۹ ایراد شده است.^۱

رفقا، موجب مسرت من است که به کنفرانس زنان کارگر خوش آمد بگویم. به خود اجازه می‌دهم که از موضوعات و مسائلی چشم‌پوشم که البته، در این لحظه مورد علاقه‌ی شدید هر زن کارگر و هر فرد آگاه سیاسی از توده‌ی کارگر می‌باشند. این‌ها از میرم‌ترین مسایل اند- مسأله‌ی نان و وضع جنگ. من از گزارش‌های جلسات شما به وسیله‌ی روزنامه اطلاع پیدا کردم که این مسائل توسط رفیق «تروتسکی»- تا جایی که به مسأله‌ی جنگ ربط دارد- و توسط رفقا «یاکولوا» و «سویدرسکی»- تا آن‌جا که به مسأله‌ی نان ربط پیدا می‌کند- بسیار مشروح شکافته شده‌اند. بنابر این، خواهش می‌کنم به من اجازه دهید از چنین مسائلی چشم‌پوشم.

میل دارم چند کلمه‌ای درباره‌ی وظایف عمومی که جنبش زنان کارگر در جمهوری شوروی با آن‌ها روبروست سخن بگویم. آن‌هایی که به طور عام به‌گذار به سوسیالیسم ربط پیدا می‌کنند، و آن‌هایی که در زمان حاضر فوریت خاصی دارند.

^۱ - نخستین بار این مقاله در روزنامه‌ی «پراودا» شماره ۲۱۳ مورخه‌ی ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۹ به چاپ رسید. (کلیات لنین- جلد ۳۰)

رفقا، مسأله ی موقعیت زنان از همان ابتدا توسط قدرت شوروی عنوان شده بود. به نظر من چنین می آید که هر دولت کارگری در سیر گذر به سوسیالیسم با وظیفه ی دوگانه ای روبروست. بخش اول این وظیفه نسبتاً ساده و آسان است. این به قوانین کهنه که زنان را در موقعیت نابرابری در مقایسه با مردان نگاه می داشت، مربوط است.

شرکت کنندگان در جنبش های رهایی بخش در اروپای غربی از مدت های مدیده نه از دهه ها بلکه از قرن ها پیش، این مطالبه را پیش کشیدند که این قوانین منسوخ، لغو شده و زنان با مردان قانوناً برابر شوند، ولی هیچ یک از دولت های دموکراتیک اروپایی و هیچ یک از جمهوری های پیشرفته موفق به اجرای آن نشده اند، چون هر کجا سرمایه داری است، هر کجا مالکیت خصوصی زمین و کارخانه ها است، هر کجا قدرت سرمایه حفظ می شود، مردان امتیازات خود را حفظ می کنند. در روسیه اجرای آن ممکن شد چون از ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ قدرت کارگران مستقر شده بود.

دولت شوروی از همان وهله ی اول به منظور استقرار قدرت زحمتکشان، یعنی دشمن همه ی اشکال استثمار، به وجود آمد؛ و موقوف نمودن هر نوع امکان استثمار افراد کارگر توسط ملاکین و سرمایه داران، و موقوف نمودن سلطه ی سرمایه را وظیفه خود تعیین کرد. قدرت شوروی کوشش کرده است که زحمتکشان بتوانند اداره ی زندگیشان را- بدون مالکیت خصوصی بر زمین، بدون مالکیت خصوصی در کارخانه ها، بدون آن مالکیت خصوصی که در هر کجا- در تمام دنیا، حتی در جایی که آزادی کامل سیاسی وجود دارد، حتی در دموکراتیک ترین جمهوری ها- زحمتکشان را در موقعیتی نگاه می دارد که حقیقتاً فقر، بردگی مزدی و بردگی مضاعف وجود دارد- امکانپذیر سازند.

قدرت شوروی یعنی قدرت زحمتکشان در ماه های اول هستی اش انقلاب مسلمی در تدوین قانون که مربوط به زنان بود انجام داد. هیچ یک از آن قوانینی که در جمهوری شوروی باقی مانده اند زنان را در موقعیت پائین تر قرار نمی دهد. من بخصوص راجع به قوانینی صحبت می کنم که از موقعیت ضعیف تر زنان سوءاستفاده نموده و آن ها را در موقعیتی نابرابر و اغلب حتی، در موقعیتی تحقیرآمیز قرار می داد، یعنی قوانین طلاق و بچه های متولد خارج از ازدواج (غیر حلال زاده) و حق یک زن در مورد شکایت از پدر بچه در مورد نفقه. بخصوص در چنین محیطی که باید گفت حتی در پیشرفته ترین کشورها، قوانین بورژوایی از موقعیت ضعیف تر زنان، برای تحقیر آن ها سوءاستفاده نموده و به آنان موقعیت اجتماعی نابرابری می دهد. بخصوص در چنین محیطی بود که قدرت شوروی هیچ یک از قوانین کهنه و ناحق را که برای زحمتکشان تحمل ناپذیر بودند، باقی نگذارده است.

ما اکنون ممکن است با افتخار و بدون اغراق بگوییم که به غیر از روسیه ی شوروی هیچ کشوری در دنیا نیست که در آن زنان از تساوی کامل برخوردار باشند و زنان را در موقعیتی تحقیرآمیز که به ویژه در زندگی روزانه خانوادگی احساس می شود قرار بدهد. این یکی از اولین و مهم ترین وظایف ما است.

اگر برای شما فرصتی دست بدهد تا با احزابی که دشمن بلشویک ها هستند برخورد کنید، اگر روزنامه هایی که به روسی در مناطق اشغال شده توسط «کولچاک» یا «دنیکین» منتشر می شود، به دستتان برسد، یا اگر اتفاقاً با مردمی صحبت کنید که در نظرات آن روزنامه ها سهیم اند، اغلب ممکن است از آن ها این تهمت را بشنوید که قدرت شوروی دموکراسی را نقص کرده است.

ما، نمایندگان قدرت شوروی، کمونیست های بلشویک و پشتیبانان قدرت شوروی، اغلب متهم به نقص دموکراسی می شویم و به عنوان دلیل این حقیقت ذکر می شود که قدرت مجلس مؤسسان^۲ را منحل کرده است. ما معمولاً چنین اتهامی را به طریق ذیل جواب می دهیم: که آن دموکراسی و آن مجلس مؤسسان زمانی به وجود آمد که هنوز مالکیت خصوصی در زمین موجود بود، زمانی که مساوات بین مردم وجود نداشت زمانی که کسی که سرمایه ای در اختیار داشت، رئیس می شد و سایرین برای او کار می کردند و بردگان مزدبگیرش بودند. آن دموکراسی بود که ما ارزشی برایش قایل نیستیم. چنین دموکراسی بردگی را حتی در پیشرفته ترین کشورها پنهان می نمود. ما سوسیالیست ها تنها تا جایی پشتیبان دموکراسی هستیم که وضع زحمتکشان و ستمدیدگان را آسان می سازد. در تمام دنیا سوسیالیزم، مبارزه با هر نوع استثمار انسان از انسان را وظیفه ی خود قرار داده است. چنان دموکراسی که در خدمت استثمار شوندهگان و زیردستان باشد برای ما ارزش واقعی دارد. اگر کسانی که کار نمی کنند بی مزیت (دارای حق رأی) گردند، آنگاه مساوات حقیقی بین مردم حکمفرما است. کسانی که کار نمی کنند نباید بخورند. ما در

^۲ - مجلس مؤسسان از طرف حکومت شوروی در ۵ ژانویه ۱۹۱۸ افتتاح شد. انتخابات برای مجلس مؤسسان عمدتاً قبل از انقلاب سوسیالیستی اکتبر انجام شده بود و ترکیب آن بازتاب مرحله ی آخر سیر جریانات کشور بود. یعنی زمانی که قدرت دولتی در دست منشویک ها، سوسیال رولوسیونرها و کانسنیتوسیونال-دموکرات ها بود. شکاف وسیعی بود بین خواست اکثریت وسیع مردم، که خود را در استقرار قدرت شوروی و فرمان هایش بیان می کرد، و مشی ای که از طرف بخش سوسیال رولوسیونرها، منشویک ها و ... مجلس مؤسسان، که بیانگر منافع بورژوازی و کولاک ها بودند، اعمال می شد. مجلس زیر بار بحث درباره "اعلام حقوق خلق زحمت کش و استثمار شده" که از طرف بلشویک ها پیش کشیده شده بود و تأیید فرمان ها در مورد صلح و زمین، و فرمان تقویض قدرت دولتی به شوراها، که در کنگره ی دوم شوراها تصویب شده بود، نرفت. پس از این که بلشویک ها مواضع خود را اعلام داشتند، آن ها از مجلس مؤسسان که دشمنی خود را به وضوح به منافع واقعی زحمت کشان نشان داده بود، بیرون رفتند. در ۷ ژانویه ۱۹۱۸، مجلس مؤسسان به فرمان کمیته ی اجرایی مرکزی سراسری منحل شد.

جواب به این اتهامات می‌گوینم که سؤال باید به این طریق مطرح شود. چگونه دموکراسی در کشورهای مختلف اجرا می‌شود؟ می‌بینیم که مساوات در همه جمهوری‌های دموکراتیک اعلام می‌شود، اما در قوانین مدنی و در قوانین حقوقی زنان، مربوط به موقعیت آن‌ها در خانواده و طلاق، عدم تساوی و تحقیر زنان را در هر گام مشاهده می‌کنیم، و می‌گوییم این نقص دموکراسی بخصوص در رابطه با ستمدیدگان است. قدرت شوروی، دموکراسی را به درجه‌ی بالاتری از هر یک از پیشرفته‌ترین کشورهای دیگر اجرا نموده است، زیرا در قوانین‌اش هیچ اثری از عدم مساوات زنان باقی نگذاشته است. دوباره من می‌گویم که هیچ دولت دیگری و هیچ (مجلس) قانونگزاری دیگری نصف آن چه قدرت شوروی برای زنان در ماه‌های اولیه موجودیش عملی کرده، انجام نداده است.

البته، قوانین به تنهایی کافی نیستند، و ما به هیچ وجه قانع به مصوبات محض نیستیم. چنان‌که در حوزه‌ی تدوین قوانین هر چیزی که از ما خواسته شده تا زنان را در موقعیت تساوی حقوق قرار دهد، انجام داده ایم و ما حق داریم به آن ببالیم. هم‌اکنون موقعیت زنان در روسیه‌ی شوروی در مقایسه با موقعیت آن‌ها در پیشرفته‌ترین دولت‌ها، ایده‌آل است. هر چند، ما به خود می‌گوییم، که البته این تنها اول کار است.

زن به خاطر کارش در منزل، هنوز در موقعیت مشکلی قرار دارد. برای اجرای کامل رهنائی‌اش و برابری او با مرد لازم است که خانه‌داری به صورت سوسیالیزه در آید و زنان در کار مولد عمومی شرکت نمایند. سپس زنان موقعیتی همانند مردان اشغال خواهند کرد. البته، ما از تساوی زن و مرد تا آن‌جا به بارآوری کار، مقدار کار، مدت کار روزانه به شرایط کار، و غیره مربوط می‌شود صحبت نمی‌کنیم. منظور ما این است که زن و هم‌چنین مرد،

نبایستی به خاطر موقعیت اقتصادیش مورد ستم قرار گیرد. همه شما می دانید حتی زمانی که زنان حقوق کامل دارند، به دلیل آن که همه ی خانه داری به آن ها محول شده، هنوز زیردست باقی می مانند. در اکثر موارد، خانه داری غیرمولدترین، بیرحمانه ترین و شاق ترین کاری است که یک زن می تواند انجام دهد، (و آن) به نحوی غیرعادی و پیش پا افتاده است و چیزی در بر ندارد جز این که پیشرفت زن را ارتقاء بخشد.

ما با پافشاری بر روی ایده آلی سوسیالیستی می خواهیم برای اجرای کامل سوسیالیزم مبارزه کنیم، و در این جا میدان کار وسیعی در برابر زنان باز است. ما اکنون در تهیه ی تدارکات جدی به منظور هموار ساختن زمینه برای ساختمان سوسیالیزم هستیم، اما ساختمان سوسیالیزم تنها زمانی شروع خواهد شد که ما تساوی کامل (حقوق) زنان را کسب نموده و همراه با زنانی که از آن کار جزئی، بی اثر و غیرمولد رهایی یافته اند کار جدید را به عهده بگیریم. این کاری است که سال های سال به طول خواهد انجامید. چنین کاری نمی تواند نتایج فوری نشان دهد و اثر جرقه مانندی تولید نخواهند نمود.

ما مؤسسات نمونه، اماکن غذاخوری و شیرخوارگاه هانی که زن را از خانه داری رها سازد دایر می نمایم. و کار تشکیلاتی این مؤسسات عمدتاً به دوش زنان خواهد افتاد. باید اذعان کرد که امروزه در روسیه مؤسسات خیلی کمی هستند که به زن برای خروج از وضع بردگی خانگی اش کمک کنند. تعداد ناچیزی از آن ها موجود است، و شرایطی که اکنون در جمهوری شوروی وجود دارد- جنگ و وضع غذا که در این مورد رفقا قبلاً به تفضیل آن را گزارش داده اند- مانع ما در این کار است. معهدا باید بگویم چنین مؤسساتی که زنان را از موقعیتشان به عنوان بردگان خانه دار آزاد می نماید، در هر کجا که به طریقی امکانی وجود دارد، پدیدار می گردند.

ما می‌گوییم که رهایی کارگران باید توسط خود کارگران اجرا شود، و دقیقاً به همان طریق رهایی زنان کارگر امری است برای خود زنان کارگر. زنان کارگر باید خودشان شاهد توسعه‌ی چنین مؤسساتی باشند، و این فعالیت تغییر کاملی در وضعیتشان، با مقایسه، با آن چه تحت جامعه‌ی سرمایه‌داری کهن بود، به وجود خواهد آورد.

تحت سیستم کهن سرمایه‌داری، به منظور فعالیت سیاسی، نیاز به تربیت خاصی بود. بنابر این حتی در پیشرفته‌ترین و آزادترین کشورهای سرمایه‌داری، زنان نقش جزئی در سیاست بازی می‌کردند. وظیفه‌ی ما این است که سیاست را در دسترس هر کارگر زنی قرار دهیم. از زمانی که مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه‌ها ملغی شده و قدرت ملاکین و سرمایه‌داران سرنگون گردیده، وظایف سیاست، برای زحمتکشان به طور کلی، و بخصوص زنان کارگر نیز ساده، واضح و قابل فهم شده است. در جامعه‌ی سرمایه‌داری وضع زن با چنان عدم تساوی مشخص شده که شرکت او در سیاست نسبت به شرکت مرد خیلی ناچیز است. لازم است قدرت زحمتکشان برای تحولی در این زمینه به کار افتد، چون بعداً وظایف اصلی سیاست از مفادی تشکیل خواهد شد که مستقیماً بر سرنوشت خود زحمتکشان اثر می‌گذارد.

در این جا نیز شرکت زنان کارگر- نه تنها زنان عضو حزب و زنان آگاه سیاسی، بلکه زنان غیر عضو و نیز کسانی که کم‌ترین آگاهی سیاسی را دارند- ضروری است. در این جا قدرت شوروی میدان وسیعی از فعالیت‌ها را به روی زنان کارگر می‌گشاید. ما دوره‌ی مشکلی در مبارزه برعلیه نیروهای دشمن روسیه شوروی که به او حمله کرده اند، داشته ایم. این برای ما مشکل بود که هم در صحنه‌ی نبرد برعلیه نیروهایی که به ضد قدرت زحمتکشان به جنگ آمده بودند و هم در زمینه‌ی مواد غذایی برعلیه سوداگران پیکار کنیم،

زیرا تعداد زحمتکشانی که از صمیم قلب با نیروی کار خودشان به کمک ما آمده بودند بسیار کم بود. در این جا نیز برای قدرت شوروی، چیزی به اندازه ی کمک توده های زنان کارگر غیرحزبی با ارزش نیست. آن ها شاید بدانند که در جامعه ی کهنه ی بورژوازی برای شرکت در سیاست، به آموزش پیچیده ای نیاز بود که در دسترس زنان قرار نداشت. فعالیت سیاسی جمهوری شوروی، عمدتاً مبارزه بر علیه ملاکان و سرمایه داران و مبارزه برای محو کردن استثمار است. بنابر این در جمهوری شوروی، فعالیت های سیاسی در دسترس کارگران قرار گرفته است و عبارت از این است که کارگران زن قدرت تشکیلاتش را برای کمک به کارگر مرد به کار ببرد.

آن چه ما نیاز داریم تنها کار تشکیلاتی در مقیاسی که میلیون ها تن را شرکت دهد نیست، ما به کار تشکیلاتی در کوچک ترین مقیاس نیز نیازمندیم و این برای زنان امکان کار را نیز فراهم می کند. زنان در شرایط جنگ، آنگاه که مسأله کمک به ارتش یا اجرای آغالشگری و تهیج در ارتش است می توانند کار کنند. زنان باید نقش فعالی در تمام این ها به عهده بگیرند تا ارتش سرخ ببیند که مواظبش هستند، و در مورد آن ابراز نگرانی می شود. زنان هم چنین می توانند در زمینه ی توزیع غذا در بهبودی گذارسانی عمومی کار کنند و در همه جا اماکن غذاخوری مشابه آن چه در پتروگراد آن چنان زیاد است، باز کنند.

در چنین زمینه هایی است که فعالیت های زنان کارگر بزرگ ترین اهمیت تشکیلاتی را به دست می آورد. شرکت زنان کارگر نیز در تشکیلات و اداره ی مزارع بزرگ آزمایشی ضروری است تا این، وظیفه ای برای چند فرد نباشد. این چیزی است که بدون شرکت تعداد کثیری از زنان کارگر، نمی تواند اجرا گردد. زنان کارگر در زمینه ی نظارت بر توزیع غذا و تهیه راحت تر مواد

غذایی، بسیار مفید خواهند بود. این کار می تواند به خوبی توسط زنان کارگر غیر حزبی انجام پذیرد و انجام آن بیش تر از هر چیز دیگری جامعه ی سوسیالیستی را استحکام خواهد بخشید. ما مالکیت خصوصی زمین و تقریباً به طور کامل مالکیت خصوصی کارخانه ها را لغو کرده ایم، قدرت شوروی اکنون کوشش می کند تا همه ی زحمتکشان، چه اعضای حزبی و چه غیرحزبی، چه زن و چه مرد، در این توسعه اقتصادی شرکت جویند. کاری که قدرت شوروی شروع نموده تنها زمانی می تواند پیش رفت کند که به جای صدها نفر، میلیون ها و میلیون ها زن در سراسر روسیه در آن شرکت نمایند. ما مطمئن هستیم آنگاه امر انکشاف سوسیالیزم استوار خواهد شد. آنگاه زحمتکشان نشان خواهند داد که آن ها بدون کمک مالکان و سرمایه داران می توانند زندگی کنند و کشورشان را اداره نمایند. آنگاه ساختمان سوسیالیستی بر چنان پایه ی استواری در روسیه قرار خواهد گرفت که هیچ دشمنی خارجی در سایر کشورها و [هیچ دشمنی] در داخل روسیه خطری برای جمهوری شوروی نخواهد بود.

و. ای. لنین

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳